



«نقش جامعه‌شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان»

فردوس آفا گل‌زاده

عضو هیأت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

با جملات خبری را بیان کند (نقش ارجاعی) و همچنین موارد دیگر موضوعاتی هستند که برخی از زبان‌شناسان بررسی آنها را در بافت اجتماعی زبان (جامعه‌شناسی زبان) موضوعی مهم و قابل توجه دانسته‌اند.

لیف^۱ بعنوان جامعه‌شناس زبان، معتقد است که مطالعه زبان باید در بافت اجتماعی آن انجام پذیرد و به واسطه ویژگی‌های اجتماعی زبان، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن متغیرهای گوناگون از قبیل جنسیت، سن، سطح سواد و تحصیلات، منطقه جغرافیایی، جامعه گفتاری^۲ (یک زیانه یا دو زیانه) که می‌خواهد زبان انگلیسی را به دانش‌آموزان یاد بدهد، مورد بررسی قرار گیرد. در غیر اینصورت معلم زبان نمی‌تواند در کارش موفق باشد چون همه نقش‌های فوق کنش‌های ارتباطی برخاسته از توانش ارتباطی هستند از نظر فیلمور^۳ توانش ارتباطی یک عامل ذاتی و بنیادی برای ساخت دستور زبان است (پراید، ۱۹۸۷). فیلمور معتقد است که بررسی این توانش ارتباطی که بخشی از مطالعه زبان‌شناسی محض است رابطه‌ی زیادی با کار معلم و تدریس زبان دارد. معلم زبانی که می‌خواهد زبان انگلیسی را به زبان‌آموزانی بیاموزد که زبان مادری آنها فارسی، بلوچی، ترکی و یا امثال آن است و این زبان‌آموزان بنوبه خود در ارتباط با همکلاسانی با زبانهای متفاوت و محیطی گوناگون هستند از چه ابزاری برای ایجاد ارتباط با این همه تنوع باید استفاده کند؟ توانش ارتباطی ضرورتاً

هادسون^۱ (۱۹۹۳) جامعه‌شناسی زبان را مطالعه زبان در ارتباط با جامعه می‌داند. امروزه این رشته مورد اقبال خاص محافل دانشگاهی دنیا و بخصوص آموزش زبان قرار گرفته است. زبان یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است و بکارگیری آن یکی از ویژگی‌های خاص انسان است. انسان برای برقراری ارتباط با دیگران از نقش‌های گوناگونی که زبان می‌تواند ایفا نماید، بهره می‌جوید. یکی از نکات مهم جامعه‌شناسی زبان که در جنبه کاربردی و تدریس مطرح است تنوع نقش زبان مانند نقش‌های عاطفی^۲، ترغیبی^۳، ارجاعی^۴ یا توصیفی^۵، فرازبانی^۶، همدلی^۷ و نقش ادبی^۸ می‌باشد (یاکوبسون، ۱۹۶۰). همه این نقش‌ها، در برقراری ارتباط اشخاص با یکدیگر مطرح هستند و یک معلم زبان موفق در امر آموزش زبان از کلیه این ابزارها بهره می‌گیرد. برای مثال، وقتی که گوینده‌ای بخواهد احساس درونی خود را به شنونده‌ای نشان دهد (نقش عاطفی)، و یا وقتی از ساخت‌های ندایی و امری در ترغیب دیگران به انجام کاری استفاده کند (نقش ترغیبی)،

باید در ارتباط با جوامع گفتاری خاصی باشد که معلّم و زبان آموز به آن تعلق دارند. در روند این ارتباط یک معلّم آگاه همیشه در پی آن نیست که در کلیه کلاسها و در تمام درسها یک روش تدریس ثابت را بکار گیرد زیرا درسها و حتی موضوع هر یک از درسها روش متفاوتی را می طلبند.

علاوه بر این، عوامل مؤثر جامعه شناسی زبان چون جنسیت، سن، آموزش انفرادی یا جمعی، پیشینه فرهنگی و علمی و محیط اجتماعی زبان آموز تعیین کننده روش و نوع و سطح آن برای تدریس است. حتی در یک کلاس که از دانش آموزانی هم سن تشکیل شده و از سابقه آموزشی و سطح زندگی تقریباً مشابهی برخوردارند، معلّم باید عوامل مؤثر در کنش متقابل را مدنظر داشته باشد (گامپرز، ۱۹۸۲).

گامپرز معتقد است که هنجارهای اجتماعی و مواردی چون مسایل فرهنگی که از قبل وجود داشته و دانش آموز در آن رشد کرده اند باید در امر ارتباط حفظ شود و فرهنگ از نظر او عبارتست از نظم اجتماعی حاکم بر ارتباط و گفتگو (فیگورا، ۱۹۹۴). در دیدگاه او مسایلی چون، معنای جملات، ترتیب واژگان (فاعل، فعل، مفعول، ...) و ساخت جمله از قبیل تعیین شده نیستند، بلکه بر پایه یک سلسله مسایل پیچیده مانند عوامل تجربی و روانشناسی حاکم بر گفتار استوار می باشد. معلّم زبان می تواند با علم به این مسایل با زبان آموز ارتباط برقرار نماید. مطالب درسی زبان که برای کلاس تهیه می شود باید در قالب بافت اجتماعی^{۱۲} و در ارتباط با نیازهای زبان آموزان باشد و مثالهای آن از نمونه های محسوس و مرتبط با نیازها و موقعیت اجتماعی، فرهنگی، سنی و روانی زبان آموزان انتخاب گردد، تا موضوعات مطرح شده مورد توجه زبان آموزان قرار گرفته باعث تقویت در تشریک مساعی^{۱۳} (اصل تعاون) بین معلّم و زبان آموزان گردد که از لحاظ تأثیر مطالب درسی، درک متقابل و آموزش مطالب بعدی کارگشا باشد.

رعایت ویژگیهای زبر زنجیری^{۱۴} مخصوصاً ویژگیهای آهنگین^{۱۵} و انسجام کلامی در موفقیت انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط صحیح بین معلّم و زبان آموزان حائز اهمیت می باشد در امر تدریس زبان نقش بسیار تعیین کننده ای دارد. قابل ذکر است که هر چه سن زبان آموز کمتر باشد نقش آهنگین زبان بیشتر است. برای اینکه زبان آموزان بتوانند با استفاده صحیح از توانش

ارتباطی^{۱۶} خود، پاسخ درست به معلّم بدهند، ابتدا باید به عقل سلیم^{۱۷} خود مراجعه نمایند و با بررسی موضوع در موقعیت خاص به آن پاسخ دهند. نقش معلّم در سرعت بخشیدن این فرایند بسیار حائز اهمیت است و راهبردهای عملی این است که معلّم ابتدا موقعیت و بافت مورد نظر را برای زبان آموزان توضیح دهد و راه درک مطلب را برای آنها هموار نماید، آنگاه با مطرح نمودن موضوعات آسان و هدایت گر به درک و ساختن جمله های درست (بعنوان پاسخ) به زبان آموزان کمک نماید تا زبان آموزان در مدت بسیار کوتاهی به پاسخ صحیح برسند. علاوه بر این، هر وقت زبان آموزی مورد سؤال قرار گیرد، دلواپس تأمل و مکث زیاد خود و نارضایتی معلّم نمی شود و در این کنکاش خود را تنها نمی یابد تا احساس ترس نماید، بلکه معلّم را همراه و یار خود می بیند. البته لازم است این راهبرد در چند جلسه اول برای همه زبان آموزان کلاس بکار گرفته شود تا آنها خود را در جوی قابل اعتماد و صمیمی بیابند و بعد از چند جلسه زبان آموزان کمرو و غیر فعال کلاس نیز بکار گرفته می شوند و شرایط را برای ابراز عقیده و صحبت مناسب می یابند. اگر چنین زبان آموزانی در شرایط مطمئن قرار نگیرند، از ترس اینکه مبدا پاسخ یا گفته آنها غلط باشد، از صحبت کردن یا پاسخ دادن صرف نظر خواهند نمود و همچنان در وضعیت غیر فعال باقی خواهند ماند. برای اینکه زبان آموزان خود را مستقل حس نمایند لازم است معلّم بتدریج دخالت و کمک نماید، با این کار به آنها فرصت دهند که بطور مستقل بیاندیشند و پاسخ درست را حدس بزنند.

گرایس^{۱۸} (۱۹۸۹) همچون گامپرز برای تقویت امر تشریک مساعی عواملی چون رعایت اصول زیباشناختی^{۱۹} و اصول اخلاقی و شخصیتی^{۲۰} (مانند، انتخاب واژه های خوب برای حفظ شخصیت را در حین پرسش و پاسخ و یا در حین مکالمه) از عوامل موفقیت در امر ارتباط می داند.

یکی دیگر از راهبردهایی که معلّم زبان در امر تدریس بخصوص برای قسمتهای مکالمه می تواند بکار گیرد، ارتباط مستمر آنها بصورت رودرو^{۲۱} است زیرا اگر چه کنش متقابل در جامعه شناسی زبان در مورد فرایندهای ذهنی از قبیل تفسیر اعمال و رفتار و قصد و نیت است، اما این فرایندهای ذهنی بر مبنای پیش فرضها و قراردادهای اجتماعی قابل یادگیری استوار است. پیشرفت در مکالمه تنها از طریق ارتباط پیوسته و

رودررو امکان پذیر است (فیگورا، ۱۹۴۴). اینگونه ارتباط به معلم فرصت می‌دهد که با توجه به حالت چهره و حرکات اعضاء بدن، ایما و اشاره‌ها و دیگر عوامل، آنچه را در ذهن زبان‌آموز می‌گذرد حدس بزند و در نتیجه آنها را بهتر درک کند و ارتباط مؤثرتری برقرار نماید.

اگر معلم زبان بتواند آنچه را در درون ذهن زبان‌آموز موفق در امر یادگیری می‌گذرد بررسی کند و چگونگی موفقیت آنها، نوع تدابیر و فرایندهای شناختی که به کار می‌برند را مورد تأمل و توجه قرار دهد، به اطلاعاتی دست خواهند یافت که می‌تواند منشاء کمک‌های مؤثری به روش تدریس او باشد.

جون رابین^{۲۲} معتقد است زبان‌آموز موفق کسی است که سه متغیر استعداد، انگیزه و فرصت را با هم و بطور همزمان داشته باشد. یک زبان‌آموز با استعداد و انگیزه ولی با فرصت ناچیز در فراگیری زبان با مشکل روبرو خواهد شد. اگر فرصت فراهم شود ولی انگیزه یادگیری در او نباشد، در اینصورت روند یادگیری زبان به کندی انجام می‌گیرد. رابین درباره آندسته از زبان‌آموزانی که ضعیف هستند مشاهداتی داشته و معتقد است که در کلاسهای زبان اغلب معلمها حرف می‌زنند و ظاهراً از آنچه که در درون زبان‌آموزان می‌گذرد بی‌اطلاع هستند. او می‌گوید اکثر معلمان زبان خارجی در کلاس درس آن قدر به یافتن پاسخهای صحیح مشغول می‌شوند که فرایند یادگیری را فراموش می‌کنند. اگر به فرایند یادگیری توجه کنند احتمال دارد بتوانند مطالب درسی، پرسش و پاسخها و مثالهای خود را با نیازهای زبان‌آموز منطبق نمایند و آنها را به راهبردهایی مجهز نمایند که خودبخود زبان را فراگیرند. زبان آنقدر متنوع و وسیع است که در واقع هیچ دوره یا کلاسی نمی‌تواند تمام آنچه را که درباره یک زبان نیاز داریم بما بیاموزد و معلم باید راه کارهایی را به زبان‌آموز ارائه نماید که زبان‌آموزان در خارج از کلاس و بدون حضور معلم بتوانند مطالب را مطالعه و به یادگیری خود ادامه دهند.

گرچه مشاهده راهبردها مستلزم فرایندهای شناختی است و مشخص کردن دقیق آنها کار پیچیده و دشواری است اما بنظر می‌رسد با بکارگیری وسایل کمک آموزشی بسیاری از راهبردها قابل شناسایی و استفاده باشند. روش کار می‌تواند به این صورت باشد که آنچه در کلاس درس اتفاق می‌افتد، اعم از فعالیت معلم یا زبان‌آموزان (البته بدون اطلاع قبلی زبان‌آموزان)

فیلم برداری و ضبط شود و سپس آن فیلم فقط برای همان کلاس پخش گردد تا فعالیت‌های خود را در فیلم مشاهده نمایند. در حالیکه زبان‌آموزان مشغول تماشای فعالیت‌های خود در فیلم هستند درباره علت هر یک از فعالیت و رفتارها از آنها سؤال شود. با مقایسه رفتار و فعالیت‌های زبان‌آموز و دلایل ارایه شده می‌توان راهبردهای مناسبی را انتزاع نمود.

راهبردهای ذیل حاصل مشاهدات رابین است که از رفتار دانش‌آموزان موفق زبان حاصل شده است:

- زبان‌آموز موفق به گفتار دیگران خوب گوش می‌دهد. یعنی بطور پیوسته به میزان و نحوه دریافت مطلب و مطابقت عملکرد او با استانداردهای از قبل آشنا شده توجه کند. گوش دادن قسمتی از فعالیت مثبت و شرکت فعال او در فرایند یادگیری است. او سعی می‌کند که از اشتباهات خود نیز مطلبی بیاموزد.

- زبان‌آموز موفق می‌داند که برای درک پیام توجه به دستور زبان یا شکل ظاهری کلمات کافی نیست. لذا توجه به معنا از اهمیت خاصی برخوردار است و به نقش مهم گفتار، رابطه بین گوینده و شنونده، رعایت قواعد صحبت کردن و لحن کلام اهمیت می‌دهد. بعضی از دانشمندان معتقدند که در یادگیری زبان اول، درک معنا مقدم بر فراگیری ساخت دستوری است. - زبان‌آموز موفق، زیاد تمرین می‌کند. او تلفظ لغات و عبارات یا آرایش کلمات را بطور مستمر تکرار می‌نماید و بدنبال ایجاد فرصت برای استفاده آنها است. برای نمونه، او در مکالمه زبان و یا پاسخ دادن به سئوالات و یا حل تمرین‌های مورد نظر با معلم و یا هم کلاسی‌هایش پیشقدم میشود. چنین زبان‌آموزی همیشه آماده تکرار کردن الگوهای زبانی است.

- زبان‌آموز موفق حدس زنده‌ای علاقمند و دقیق است و آمادگی روبرو شدن با موضوعات جدید را دارد. زیرا می‌خواهد حدس‌های خود را امتحان نماید. هایمز (۱۹۷۲) در مبحث قوم‌شناسی ارتباط معتقد است که حدس زدن بر اساس عواملی چون رابطه اجتماعی بین گوینده و شنونده، محیط، موقعیت، حالت و تمام پارامترهای اجتماعی دیگر صورت می‌گیرد.

- زبان‌آموز موفق تمایل زیادی به ایجاد ارتباط و یاد گرفتن مطالب در روند یک ارتباط دارد. او برای انتقال پیام فعالیت‌های زیادی از خود نشان می‌دهد. برای نمونه وقتی واژه مناسبی برای معنای خاصی در ذهن خود نمی‌یابد سعی می‌کند پیرامون

آن توضیح دهد و با تعریف و توضیح و احیاناً دادن مثال مفهوم مورد نظر را انتقال دهد. مثلاً اگر در نظر دارد مطلبی را به زمان آینده در انگلیسی بگوید و زمان آینده را نمی‌داند و یا بخاطر نداشتن عبارت "to be going to" استفاده می‌کند چون برای او نکته اصلی انتقال پیام است (ریچاردز، ۱۹۷۱).

- زبان آموز موفق هیچگاه در یک محدوده متوقف نمی‌شود و شگردهای خاصی برای آزمایش یافته‌ها و حدس‌های خود دارد. اگر ارتباط منطقی برقرار شود حاضر است حتی در بعضی از ارتباطها تظاهر به نادانی و یا نفهمیدن مطلب نماید. با این روش اولاً پاسخی را که در ذهن خود دارد و به دلایلی نمی‌خواهد به زبان آورد، آزمایش می‌کند و ثانیاً انتظار دارد که توضیح بیشتری درباره آن از زبان معلم بشنود. علاوه بر تأکید بر ایجاد ارتباط، زبان آموز خوب آمادگی پرداختن به ساختار زبان را نیز دارد. وی مرتباً دنبال الگوهای موجود در زبان است. این موضوع را کارول، ساپون و پیمسلور «حساسیت دستوری و توانایی استقرایی یادگیری زبان» خوانده‌اند. معلم زبان نیز علاوه بر مدنظر قرار دادن موارد فوق در امر تدریس به جنبه‌های دیگری چون جنسیت زبان آموز، سن، وضعیت اقتصادی، اجتماعی زبان آموز توجه دارد.

- عامل سن در یادگیری زبان خارجی

این اعتقاد که کودکان بهتر از جوانان و یا بزرگسالان آماده یاد گرفتن زبانهای خارجی هستند را می‌توان به تأثیر یافته‌های تحقیق ویلدر پنفیلد^{۲۳} نسبت داد. پنفیلد بر این نظر تأکید دارد که مغز کودک و یا نوجوان بطور بی‌نظیری آماده یادگیری زبان است و مرحله‌ای تحت عنوان «سن مطلوب» را مطرح می‌کند که طی آن چندین زبان را می‌توان بطور کامل با کمترین تلاش و بدون اختلال فیزیولوژیکی یاد گرفت (پنفیلد، ۱۹۵۳).

پنفیلد سن مطلوب برای یادگیری زبان را اولین دهه زندگی می‌داند. تلاش برای یادگیری زبانهای خارجی بعد از این دهه تنها با موفقیت نسبی همراه خواهد بود. بدین ترتیب سن بعنوان مهمترین عامل در فرایند یادگیری زبان است و می‌گوید اگر انتظار موفقیت در یادگیری زبانهای خارجی را داریم باید این امر قبل از سن ده سالگی انجام گیرد (پنفیلد و رابرتز، ۱۹۶۵). کلاروربورتال^{۲۴} (۱۹۷۴) در بررسی مربوط به تأثیر متغیرهای موجود در جامعه شناسی زبان از قبیل سن، جنس و

وضع اقتصادی و اجتماعی، دریافت تشویق از اعضاء خانواده و بستگان و انتظارات شغلی بر آموزش زبان بیشتر بر مدت زمان یادگیری تأکید می‌کند تا بر سن زبان آموز. او معتقد است کسب مهارت در یک زبان خارجی عمدتاً نتیجه مدت زمانی است که صرف یادگیری و مطالعه آن می‌گردد. البته سن زبان آموز نیز می‌تواند یک عامل مؤثر باشد (بورستال و دیگران، ۱۹۷۴). سن و مدت زمانی که برای یادگیری زبان خارجی لازم است عواملی هستند که تهیه و تدوین کنندگان مطالب درسی زبان و معلمین زبان باید مدنظر قرار دهند.

- عامل جنسیت در یادگیری زبان خارجی

تفاوتهای جنسی عامل مهمی در فراگیری زبان خارجی است. بورستال می‌گوید که در تمام دوران تحقیقات خود مشاهده کرده است که دختران نسبت به پسران در تمام آزمونهای مربوط به موفقیت در زبان خارجی نمرات بالاتری می‌گرفتند و موفق تر بودند. نیسبت^{۲۵} و ولش^{۲۶} (۱۹۷۲) در تحقیقات و ارزشیابی خود در تدریس زبان فرانسه در مدرسه آبردین به همین نتیجه رسیدند، عامل موفقیت دختران را در تفاوت نگرش و طرز تفکر آنها نسبت به یادگیری زبان خارجی تا حدی نتیجه و انتظار استخدامی (انگیزه شغلی) بین پسران و دختران و رابطه دانش زبان خارجی با شغل برشمردند.

- عامل اقتصادی-اجتماعی

یکی دیگر از عوامل جامعه‌شناسی زبان که در زبان آموزی دانش آموزان نقش دارد، وضعیت اقتصادی-اجتماعی دانش آموزان و نوع مشاغل و سطح درآمد والدین می‌باشد. به منظور اثبات این فرض بورستال حدود پنج هزار دانش آموز را که در حال یادگیری زبان فرانسه بعنوان زبان دوم از سن هشت الی شانزده سالگی بودند مورد بررسی و تحقیق قرار داد. او معتقد است که در مراحل اولیه ارزشیابی، نتایج بدست آمده از تحقیق وجود یک رابطه معنی‌دار بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی زبان آموزان و میزان موفقیت آنها را در زبان تأیید می‌نماید و در هر نوبت از آزمون متوجه رابطه نمرات با مشاغل و سطح درآمد والدین گردید. این عامل اجتماعی هم در مورد پسران و هم دختران صادق بود و تفاوت وضع اقتصادی-اجتماعی زبان آموزان در مدارس مختلف با میزان

18. Grice
19. aesthetic principle
20. moral in character
21. face to face
22. Joan Rubin
23. Wilder Penfield
24. Clare Burstall
25. Nisbet
26. Welsh

موفقیت آنها در زبان فرانسه هماهنگی و هم آبی بسیار نزدیکی داشت.

بطور خلاصه می توان گفت که معلم و زبان آموز در جامعه زندگی می کنند و زبان نقش ارتباطی خاصی است که در زندگی انسان ایفا می نماید. عواملی چون پیشینه فرهنگی، محیطی که زبان آموز در آن رشد کرده، زبان مادری زبان آموز، محیط اجتماعی، سن، جنسیت، نیازهای شغلی، انگیزه، درک و رعایت مسائل روانشناختی، مدت زمان یادگیری و ایجاد ارتباط مناسب از عوامل مؤثر در یادگیری زبان هستند. بر معلمان زبانهای خارجی است که پیرامون جامعه شناسی زبان و دستاوردهای آن مطالعه بیشتری داشته باشند تا به نقش هر یک از عوامل در تدریس هر چه بهتر زبان آگاه گردند. اینگونه مطالعه ها به معلمان زبان امکان می دهد که نه تنها برای هر سطح و هر کلاس بلکه برای هر درس روش تدریس خاصی را به کار برده و با بکار بستن نکات مهم و دقت نظر در تدریس به موفقیت بیشتری نایل آیند.

فهرست منابع

- Ellis Rod, 1987. Second Language Acquisition in Context, Prentice-Hall International. London.
- Figueroa Esther, 1994. Sociolinguistic Metatheory, Elsevier Science LTd. New York, USA.
- Giglioli, Pier. P. 1986. Language and Social Context, Penguin Books, London
- Glyn Williams. 1992. Sociolinguistics, Routledge.
- Hudson, Richard Anthony. 1993, Sociolinguistics, Combridge university Press. UK.
- Hickman, John, 1988. Teachers, Language and Learning, Routledge Education Books, London.
- Little wood, William T. 1990. Communicative Language Teaching, Combridge University Press
- Wolfson, Nessa, 1983, Sociolinguistics and Language Acquisition, Newbury House publisher, London

پواید، ج. ب. «جامعه شناسی یادگیری و تدریس زبان» ترجمه سیداکبر میر حسینی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳.

مدرسی، یحیی، «درآمدی بر جامعه شناسی زبان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی»، تهران، ۱۳۶۸.

زیرنویس:

1. R. H. Hudson
2. emotive
3. conative
4. referential
5. descriptive
6. meta linguistic
7. phatic
8. poetic
9. Lebov
10. Language community
11. Filmore
12. context of situation
13. cooperative principle
14. supra- segmental features
15. prosodoic
16. communication competence
17. common sence